پیکان

پیکان یک چوب نازک و مستقیم است که از کمان شلیک می شود.

تیر از طریق هوا پرواز کرد و به هدف برخورد کرد.

نبرد

نبرد درگیری بین دو ارتش در طول جنگ است.

نبرد روزها طول کشید.

تعظیم

کمان سلاحی است که از چوب منحنی و رشته ساخته شده و تیرها را شلیک می کند.

با تیر و کمان به شکار رفت.

شجاع

وقتی مردم شجاع هستند ، از مواجهه با درد و خطر نمی ترسند.

آتش نشان شجاع دختر را از ساختمان سوخته نجات داد.

رئیس

رئیس رهبر گروهی از مردم است.

رئیس مردم را از میان کوهها هدایت کرد.

وضعیت نامساعد,زیان

شرایط نامساعد وضعیتی است که شخصی احتمال باختن دارد.

مایک از آنجا که به زانوی خود آسیب زد ، در مسابقه وضع نامساعدی داشت.

دشمن

دشمن کشوری است که در طول جنگ با کشور دیگری می جنگد.

دشمن آماده حمله به پادشاهی شد.

ورودی

ورودی مکانی است که کسی می تواند به یک منطقه وارد شود.

دروازه قفل شده بود ، بنابراین بیل مجبور شد ورودی دیگری پیدا کند.

به ندرت

اگر اتفاقی به سختی رخ دهد ، تقریباً اصلاً اتفاق نمی افتد.

من به سختی کنسرت را دیدم ، زیرا مجبور شدم زودتر آنجا را ترک کنم.

قصد داشتن - خواستن

قصد انجام کاری به معنای برنامه ریزی برای انجام آن است.

من قصد دارم سه سال دیگر دانشگاه را به پایان برسانم.

خنده

خنده صدایی است که در اثر خندیدن درباره چیز خنده دار تولید می شود.

شوخی سوزان باعث شد همکلاسی هایش از خنده بترکند.

تکه چوب

چوب قطعه چوبی ضخیم است که از روی درخت بریده می شود.

آتش خیلی کوچک بود ، بنابراین یک تکه چوب دیگر به آن اضافه کردیم.

نظامی

ارتش نیروهای مسلح یک کشور است.

بعد از اتمام دبیرستان به ارتش ملحق شدم .

اطاعت کردن

اطاعت یعنی پیروی از آنچه قانون یا شخصی می گوید شما باید انجام دهید.

خواهر کوچکم از مادرم اطاعت نکرد. حالا او به دردسر افتاده است.

به دست اوردن

به دست اوردن چیزی به معنای به حاصل امدن آن پس از تلاش فراوان است.

من توانستم پس از هفته ها مطالعه نمره خوبی در آزمون خود بدست آورم.

ثابت

وقتی کسی یا چیزی ثابت است ، تحت کنترل است.

مشکل سخت بود اما او ثابت قدم ماند و آن را حل کرد.

اعتماد کردن

اعتماد به این معناست که اعتقاد داشته باشید شخصی صادق است و آنچه را که درست است انجام خواهد داد.

من به دوستانم اعتماد دارم آنها رازهای من را به دیگران نمی گویند.

پیچ - پیچیدن

پیچاندن چیزی به معنی پیچیدن آن به دور خودش یا چیز دیگری است.

او ماکارونی را دور چنگال خود پیچاند.

مگر اینکه

مگر اینکه به معنای اگر نیست یا به جز وقتی.

تا زمانی که اتاق خود را تمیز نکنید ، نمی توانید با دوستان خود بازی کنید.

سلاح

سلاح ، شئی است که می تواند برای آسیب رساندن به مردم مورد استفاده قرار گیرد.

شمشیرها هزاران سال به عنوان سلاح استفاده می شده است.

نبرد ترموپیلا نبرد ترموپیل

این یک داستان واقعی است. این مدتها پیش در یونان اتفاق افتاده است ....

رئیس اسپارتان \* به ارتش کوچک شجاع خود گفت: "ما باید بجنگیم." آنها در نقطه ضعف بزرگی قرار داشتند. فقط سیصد نفر بودند. ارتش ایران صدها هزار مرد داشت.

آنها شکست میخوردند مگر اینکه میتوانستند ورودی کوچکی را ایمن کنند. دشمن نمی توانست به راحتی از طریق آن حرکت کند. آنها در اینجا قصد داشتند دشمن را متوقف کنند. رئیس و افرادش برای جنگ آماده شدند.

به زودی ، صف های طولانی ارتش دشمن در اطراف تپه ها پیچ خورد. رئیس با خنده با دشمن روبرو شد. او می دانست که سلاح و مهارت مردانش بهتر است. اسپارتی ها به رهبر خود اعتماد کردند و از او اطاعت کردند.

ابتدا سربازان دشمن تیرهای کمان خود را شلیک کردند. رئیس به مردان خود گفت سپرهای خود را بردارند \*. تیرها به سپرها چسبیدند اما به هیچ یک از مردان آسیب نرساندند.

سپس سربازان دشمن با نیزه های بلند به اسپارتها حمله کردند. رئیس آنها را متعجب کرد. سپاهیان وی بر روی چوب دشمن غلتیدند.

آنها سه روز جنگیدند. اگرچه آنها به سختی می خوابیدند ، رئیس و افرادش ثابت قدم بودند.

اما دشمن راهی یافت تا اسپارتها را شکست دهد. رئیس و همه افرادش کشته شدند. حتی اگر آنها باختند ، نبرد ترموپیل یکی از مشهورترین نبردهای تاریخ است.

\* اسپارتان - سربازی از شهر اسپارتا در یونان

\* سپر - قطعه ای از چوب یا فلز که سربازان برای محافظت از خود حمل می کردند